

میشود با تمام نمرات دوره سال سوم ارمغان طبع و نشر آن انجام یافت ارباب ذوق می‌شناسند که این چکامه شیوای فصاحت قرین یکی از شاهکارهای قرن اخیر است که با بهترین زبان ادبی سیاست انگلیس را نسبت به عالم اسلام شرح میدهد. بسمل هندوستانی پس از مشاهده مظالم انگلیس در هندوستان با ناله بلند و فریاد عالم رسای با تأثیر (آه صاحب درد را باشد اثر) عالم اسلام را با اتحاد و اتفاق و یگانگی و عوت کرده است ما هم از مشترکین وقارئین ارمغان تمنا میکنم که بار دیگر مراجعه کرده و با دقت از اول تا آخر ترکیب بند را (که در هندوستان انگلیس مانع از نشر شده است) مطالعه کرده و بمضمون آن رفتار فرمایند.

( وحید )

## «(عقیده ژان ژاک روسو)»

«بقیه از شماره های قبل»

بروید زیرا که در میان ما و اخلاف و فرزندان ما یکمده تألیفات و تصنیفات موجود است که از هر خطری خطرناکتر و از آنها بوی گند و عفونت اخلاق فاسده ما استشمام میشود.

بروید و بهمدستی و رفاقت این تألیفات یکتاریخ صحیح دوستی از ترقیات و قوائد علوم و صنایع امروزه تنظیم کرده و برای قرون و اعصار آینده سوغات و ارمغان ببرید.

اگر آینه‌گان آن دفتر را بخوانند هیچگونه جای شك و تردید برای آنان در صحت عقیده که من امروز اظهار میکنم باقی نخواهد ماند . و هر چند آنها از طبقه ما جاهل تر نباشند ، معذالك دست به آسمان بلند کرده و از اثر تأثیرات قلبی خواهند گفت .

ای خدای علیم و قدوس ای کسیکه عقول و ارواح در ید تصرف تست ما را از شر علوم و صنایع مشعوم پدرانمان نجات بخش و همان جهالت و عصمت و ققرطیعی را که یگانه نعمای گرانهای تو و اسباب سعادت جاودانی ماست بما مرحمت فرمای اکنون که ترقی علوم و صنایع بر سعادت حقیقی ما نیفزوده و بلاولاء اخلاق ما را فاسد کرده است . و همین کتب که از تحقیقات علمای مبرز و تألیفات فلاسفه معروف است اسباب فساد ذوق و اعوجاج سلیقه ما شده پس بدابر حالات یکدسته از مصنفین مستبدی که در ابتدای نفو و نمای خود در حریم قدس ارباب انواع علم و صنعت جسورانه قدم گذاشته و میخواهند مشکلاتی را استخراج و حل کنند که از بدو آن مداخله در آن ممنوع بوده و طبیعت نیز از قوت و قدرت و مجاهدت اشخاصیکه برای کشف آنها بخود زحمت داده و فائده برده اند یادگار ها و نمونه ها گذاشته تا کسی متهورانه قدم در این میدان نگذارد . و بیهوده خود را دچار خطرات نسازد آیا عقیده شما چیست در خصوص این نویسندگان و مؤلفین خیانت کار و بیشرم که بدون اجازه درهای علوم را شکسته و یکمده جاهلان

نا لایق را که حق نزدیک شدن باین حرم مقدس را ندارند در آن داخل و جای گزین کرده اند؟ و حال اینکه میبایست اینها مراقب و مواظب باشند تا این قبیل اشخاص را قبل از پیش آمدن و بمدخل این درگاه رفیع نزدیک شدن دست در بسینه گذاشته و مایوسانه معاودت دهند شاید عبرت گرفته و بروند و بصنایعی که برای هیئت اجتماعیه مفید و نافع است اشتغال ورزند .

همان کسیکه بعد از تلف کردن يك عمر عزیز آخر يك شاعر بد سلیقه یا يك مهندس پست رتبه میشود محتمل است ~~که~~ بتواند يك کارخانه پارچه بافی تأسیس و ایجاد نماید .

برای هیچیک از اشخاصیکه طبیعت مقدر کرده است پیشوا و رهنمای نوع بشر شوند . و بواسطه دلالت فکر رسا و عقل توانای خود در رأس جامعه قرار گیرند تا کنون معلم لازم نبوده و بهمان حکم تقدم طبیعی از دیگران پیش افتاده و قافله سالار قوم شده اند .

رولام ها دکارت ها نیوتن ها هیچیک از بین مر بیان نوع انسان تعلیم نداشته و در تحت تربیت کسی بار نیامده اند کدام هادی و رهبری می توانسته بهتر از قریحه و استعداد فطری آنها را به آن مقامات بلندی که رسیده اند هدایت و رهنمائی کند ؟

معلمین معمولی جز تنگ کردن دایره ادراکات و محدود

ساختن افکار در مضيقه خرافات و مختصر کردن دسترس فکر بشر بظرفيت استعداد خویش کاری نمیتواند کرد. ولی مردمان بزرگ فهمیدند که این راه موانع و مشکلاتی دارد و هر که میخواهد آنرا پیروی کند باید در رفع آنها سعی و کوشش کند لذا آنها نیز تحمل مشقت و زحمت از پیش بر داشتن هر مانعی را کردند تا از فضای بی منتهاییکه طی کرده اند در گذشتند.

هرگاه جایز بدانیم که یکمده از مردم باید برای تحصیل علوم و صنایع خود را باجتهاد و کوشش و دارند و برای نظام امور مملکت این طبقه وجودشان ضروری است فقط آن طایفه میباید برای اینکار حاضر شوند که قوه تنها روی و ثبات قدم و رسوخ عزم در خود حس میکنند و میتوانند در طریق وصول بمقصود و میدان مسابقه از همه کس پیش بیفتند با این وصف اینطایفه بمحدود قلبی منحصر خواهند شد که سر نوشت طبیعی آنها بر افراشتن بناهای بلند افکار و عقول است در سایه عقل و فکر و اگر بخواهند که هیچ چیز مافوق ادراک و دسترس عقول آنها واقع نشود باید مجال افکار خود را اینقدر وسیع به پندارند که هیچ چیزی مافوق مراتب امید و آرزو و مرام آنها نباشد یعنی همت خود را بر بلند ترین گنگره مراتب قصر رفیع وجود متوجه و معطوف دارند.

اینست یگانه محرك و مشوقی که سالکان طریق تکامل بهدایت